

پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال دین از دیدگاه فریقین

دکتر فتح الله نجارزادگان*

چکیده

فریقین در پاره ای از نکات آیه اکمال اتفاق نظر دارند. نقطه اصلی اختلاف آنان در تفسیر این آیه در دو امر زمان نزول و علت نزول آیه است. این تمایز مباحث کلامی گسترده ای را بین فریقین رقم زده است. در مصادر فریقین تنها دو دسته روایت درباره زمان نزول این آیه به چشم می خورد: نزول آن در حجة الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیر خم. برای جمع این دو دسته روایت، احتمال هایی می توان ارائه کرد.

در تمام احادیث شیعی، اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا در غدیر دارند، علت نزول آیه "اعلان ولایت امام علی" ذکر شده است و در متن احادیث اهل سنت نیز که به علت نزول آیه تصریح شده، به جز در یک حدیث، علت نزول آیه "اعلان ولایت امام علی" است. اکثر اهل سنت که نزول آیه را در عرفه می دانند بر خلاف تصریح روایات درباره علت نزول آیه، وجوهی متعدد احتمال داده اند. این وجوه با برهان سبر و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و مخدوش شده اند.

با اثبات علت نزول آیه درباره ولایت امام علی، تأثیر شگرف آن در مفاد خطبه غدیر به پیامبر خدا و نیز در تفسیر آیاتی دیگر که درباره ولایت اهل بیت است، به وضوح نمایان می شود.

واژگان کلیدی: اکمال دین، اتمام نعمت، ولایت، تفسیر فریقین.

* دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه تهران

مقدمه

هر چند فریقین در پاره‌ای از نکات آیه اکمال اتفاق نظر دارند که در تفسیر آیه مؤثر است؛ آنان درباره این آیه با اهمیت که از اکمال دین، اتمام نعمت و ... خبر دهد، در برخی نکات دچار اختلاف نظرند. اگر مسلمین درباره نخستین آیه نازل شده بر پیامبر خدا اختلاف نظر داشته باشند، طبیعی است؛ چون در آن هنگام شاهد نزول نبوده‌اند؛ اما درباره علت نزول این آیه که آخرین آیه (یا جزو آخرین آیات) نازل شده است، نباید دچار تشتت آرا شوند. باز اهمیت موضوع این آیه و زمان نزول آیه، اقتضا می‌کند که تعداد انبوه صحابه از کیفیت نزول آیه و زمان آن خبر دهند؛ اما واقعیت چنین نیست و این نیز جای شگفتی است. به نظر می‌رسد، نقطه اصلی تمایز در دیدگاه فریقین در دو امر نهفته است: یکی در علت نزول این آیه و دیگری در تعیین روزی که در این آیه با تعبیر "الیوم" از آن یاد شده است. گفتیم فریقین در پاره‌ای از نکات درباره این آیه، اتفاق نظر دارند که در تفسیر آیه مؤثر است؛ آن‌ها عبارتند از:

یک: سوره مائده در زمره آخرین سوره‌ها و به اجماع فریقین مدنی است (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۷۹ و ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ص ۶۷۹)، و آیه اکمال به حساب استثناها نیست (که از سوره دیگری در سوره مائده قرار گرفته باشد)، بلکه از آیه اکمال می‌توان استفاده کرد که سوره مائده آخرین سوره نازل شده است.

دو: بدون شک آیه اکمال در حجه الوداع نازل شده است.

سه: قسمت "الیوم یئس الذین کفروا... رضیت لکم الإسلام دیناً" در آیه سوم سوره مائده، از بقیه اجزای آیه که درباره حکم خوردنی هاست، جدا و به ماقبل و بعد خود ارتباطی ندارد. در این باره چه بگوییم آیه به همین صورت نازل شده و یا به دستور پیامبر خدا در این جا قرار گرفته است؛ همیشه فریقین این فقره را جداگانه بحث کرده‌اند و در روایات وارده از معصومان، صحابه و تابعین نیز، به طور مستقل آمده است. شاهد این مطلب نیز آیه ۱۱۹ سوره انعام است که می‌فرماید: "وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا دُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَحَرَّمًا عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ إِلَيْهِ..." در این آیه که پیش از سوره مائده نازل شده، می‌فرماید: "آن چه از خوردنی‌ها برای شما حرام بوده به تفصیل بیان شده است."

بررسی زمان نزول آیه

برای شناخت روز نزول این آیه می‌توان از شواهد و قرائین درونی و برونی آیه استمداد جست. ابتدا باید بر این نکته تأکید کرد که مراد از واژه "الیوم" در این آیه بنا به قول اکثر مفسران و شواهد روایی (که ملاحظه خواهید کرد) دوره زمانی نیست (مانند این که گفته می‌شود: "كنت شاباً بالأمس و عدت الیوم شیخاً" آن گونه که فخر رازی و بیضاوی احتمال می‌دهند (رازی، ج ۱۱، ص ۱۳۷ و بیضاوی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۵۵)؛ بلکه مراد از آن یک روز خاص و به تعبیر ادبی الف و لام آن برای عهد حضوری است. این واژه که در این آیه دوبار تکرار شده است، هر دو اشاره به یک روز دارد نه آن که دو روز مورد نظر آیه شریفه باشد. قرآن درباره این روز خاص اوصافی را بیان می‌کند که عبارتند از: "الیوم یئس الذین کفروان من دینکم"، "الیوم اُکملت لکم دینکم"، "اتممت علیکم نعمتی"، "رضیت لکم الإسلام دیناً" و چون همه این اوصاف مربوط به یک روز مشخص است، باید با یکدیگر پیوند داشته باشند. از جمله اکمال دین و اتمام نعمت موجب یأس کفار و خشنودی خدا برای گزینش دین اسلام بر جامعه باشد. این روز با این ویژگی‌های منحصر به فرد باید روز حساس و نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار آید و در آن اتفاقی خاص رخ داده باشد که موجب ویژگی‌های چهارگانه مذکور شود. فریقین درباره زمان نزول این آیه تنها دو قول را مطرح کرده‌اند: نزول آن در حجه الوداع در روز عرفه و نزول آن در غدیر خم. پس باید حوادثی که در این دو روز اتفاق افتاده‌اند، بررسی شوند تا بتوان آن روز را مشخص کرد. روایاتی که درباره زمان و مکان نزول این آیه نقل شده نیز، دو دسته‌اند: یک دسته زمان نزول را در عرفه و دسته دیگر در غدیر خم می‌دانند. هر دو دسته در مصادر فریقین یافت می‌شوند. در مصادر اهل سنت با سند صحیح و با چند طریق، نزول آیه در روز عرفه (در حجه الوداع) نقل شده است. ابن کثیر در این باره می‌گوید:

"نزول آیه اکمال در روز عرفه امری معلوم و قطعی است... در این باره احادیثی متواتر نقل شده است که شکی در صحت آن‌ها نیست... قول درست که شک و تردیدی در آن راه ندارد، این است که این آیه در روز جمعه در عرفه نازل شده است" (ابن کثیر، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۲ و ابن کثیر ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۵۵)؛ قابل تأمل است، هر چند اهل سنت روایت منقوله از عمر را در صحیحین آورده‌اند.

در مصادر شیعی نیز در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) چنین نقل شده است:

"چون رسول خدا در عرفات در روز جمعه اقامت کردند، جبرئیل نزد ایشان آمد و گفت: ای محمد!

خداوند به شما سلام می‌رساند و می‌گوید: به امت خود بگو: الْيَوْمَ أَكَلَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا؛ نعمتم را بر شما تمام کردم و برای شما اسلام را به عنوان دین پسندیدیم و پس از این برای شما چیزی نازل نخواهم کرد" (عیاشی ۱۴۲۱، ج ۲، ج ۱۱).

مرحوم کلینی نیز با سند خود از ابی الجارود از امام باقر (ع) چنین نقل می‌کند:

"از امام باقر شنیدم که فرمود: خداوند بر بندگانش پنج چیز را واجب کرد. آنان چهار چیز را گرفته و یکی را رها کردند! گفتم: آیا آن‌ها را برای من نام می‌برید؟ نماز... سپس زکات نازل شد... آن گاه روزه نازل شد... سپس حج نازل شد... و آن گاه ولایت نازل شد. همانا ولایت در روز جمعه در عرفه برای پیامبر آمد و خداوند چنین نازل کرد: الْيَوْمَ أَكَلَمْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي؛ پس کمال دین به ولایت علی بن ابی طالب (ع) است..." (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۹).

در تفسیر عیاشی حدیث مذکور از جعفر بن محمد الخزاعی نقل شده است. وی مانند ۳ حدیثی دیگر که عیاشی در موارد دیگر از او نقل حدیث می‌کند (عیاشی، ۱۴۳۱، ج ۳، ص ۲۷۷)، تنها از پدرش از امام صادق (ع) حدیث نقل می‌کند و فردی مجهول است، یعنی توثیق و تضعیفی درباره او نیست (خویی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۶). هر دو سند روایت کلینی نیز ضعیف و متن آن نیز مشوق می‌باشد (مجلسی، ج ۳، ص ۲۵۹).

دسته دوم این روایات دلالت بر نزول آیه در روز غدیر یا اندکی پس از آن دارند. این روایات در مصادر شیعی با سند صحیح و طرق متعدد نقل شده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۹ و ۲۹۲؛ مجلسی، ج ۳، ص ۲۶۱؛ بحرانی، ج ۱، ص ۴۳۶ ۴۳۷ و قمی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۶ ۳۷). در مصادر اهل سنت نیز از صحابه‌ای که شاهد نزول آیه بوده‌اند این احادیث، روایت شده‌اند، هر چند برخی از اهل سنت آن‌ها را ضعیف دانسته (ابن کثیر، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۱۴ و سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۹)، و یا آن را از مفتریات شیعه می‌شناسند (آلوسی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۹۱)؛ اما این دیدگاه مبنای علمی ندارد؛ چون افرادی که در سلسله سند این روایات می‌باشند از نظر رجال شناسان اهل سنت توثیق شده‌اند (علامه امینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۹۴ ۲۹۸). تک تک رجال سندها را بر اساس موازین اهل سنت بررسی و آن‌ها را توثیق کرده است. ابن کثیر، افزون بر ضعف سند، اشکالی دیگر بر حدیثی از ابوهریره دارد. ابوهریره نزول آیه اکمال را در روز غدیر می‌داند و در ضمن آن به نقل از رسول خدا (ص) به فضیلت روزه در این روز تصریح می‌کند. بن کثیر درباره این حدیث می‌گوید:

"[این که] روزه روز غدیر معادل ۶۰ ماه باشد، مستلزم برتری امر مستحب بر واجب خواهد شد؛ چون تمام روزه ماه رمضان به اندازه ده ماه فضیلت دارد، چه رسد به روزه یک روز غدیر که امری مستحب است بنابراین، این روایت منکر و باطل است" (ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۸۸).

علامه امینی به این اشکال افزون بر پاسخ نقضی که در مصادر متعدد اهل سنت از جمله صحیحین است، مانند حدیث "هر کس در رمضان روزه بگیرد و به دنبال آن شش روز از شوال را روزه بگیرد، مانند کسی است که یک دهر روزه گرفته است" (مسلم، ج ۲، ص ۵۲۴ و ابوداؤد، ج ۲، ص ۳۲۴). پاسخ های حلی نیز ارایه داده است (امینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷۰۷۶۹۹).

شاید بتوان بین دو دسته روایتی که درباره زمان و مکان نزول آیه اکمال است (نزول در عرفه، نزول در غدیر) جمع کرد و تهاافت بین آنها را از بین برد. از جمله وجوه جمع می توان چنین گفت: آیه اکمال دوبار نازل شده است. یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر و هر دو مربوط به اعلان ولایت امام علی (ع) است. برخی از بزرگان فریقین این احتمال را داده اند (مجلسی، ج ۳، ص ۲۶۰ و سبط ابن جویری، ۱۴۰۱، ص ۳۷).

توضیح اجمالی این مطلب بدین صورت است: پیامبر خدا از توطئه جریان نفاق و تفرقه امت و ارتداد آنان درباره اعلان ولایت امام علی بيمناک بودند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۹؛ عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۴؛ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۴۳۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۳۴۴ و التحصین، ص ۵۸۱). از این رو حضرت با نزول این آیه در حجه الوداع در عرفه، اعلان رسمی ولایت را به تأخیر انداختند و از خداوند تضمین خواستند که در پی آن آیه "یا ایها الرسول بلّغ ما أنزل إليك" نازل و در آن تضمین خدا مبنی بر "والله يعصمك من الناس" اعلان شد. آن گاه حضرت در غدیر به طور رسمی ولایت امام علی را اعلان کردند و پس از آن دوباره آیه اکمال نازل شد. شاهد این وجه جمع حدیثی است که ابن طاووس با سند از احمد بن محمد طبرسی معروف به خلیلی، از امام باقر (ع) بدین گونه نقل کرده است:

"چون پیامبر خدا در عرفه وقوف کردند، جبرئیل این آیه را نازل کرد و گفت: ای محمد! علی را برپا کن و بر ولایت او بیعت بگیر... پس حضرت از توطئه اهل نفاق و شقاوت که مبدا بین امت تفرقه سازند یا آنان را به جاهلیت برگردانند، بيمناک شدند؛ چون از دشمنی و کینه تیزی عده ای نسبت به امام علی با خبر بودند. از این رو از جبرئیل تضمین خواستند... تا به غدیر خم رسیدند... (ابن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۳۴۴).

فتال نیشابوری نیز به صورت مرسل مضمون این حدیث را آورده است (فتال، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۱۶).
 "زید بن ارقم" صحابی نیز که خود شاهد ماجرا بوده در این زمینه می‌گوید:
 "جبرئیل، روح الامین، بر رسول خدا در عصر روز عرفه ولایت علی بن ابی طالب را فرود آورد. رسول خدا دل‌تنگ شد؛ چون از تکذیب اهل نفاق و افک بیمناک بود. از این رو حضرت گروهی را که من نیز در میان آنان بودم؛ فرا خواند و در این باره با آنان مشورت کرد تا آن را ابلاغ کند. ما نمی‌دانستیم در این باره چه بگوییم" (عیاشی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۰۱ و حکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۵۶).
 با این احتمال، آیه دوبار نازل شده است و هر دو بار پیامبر اکرم آن را ابلاغ کرده اند: یک بار در عرفه برای برخی از صحابه که برای استشاره جمع شدند؛ و یک بار در غدیر به طور رسمی برای عموم مردم. احتمال دیگر آن است که آیه تنها در عرفه نازل شده است و پیامبر خدا نیز در عرفه آن را ابلاغ کرده اند و بار دیگر در غدیر نیز ابلاغ شده است. چون علت نزول آیه با مسأله غدیر و آیه عصمت ارتباط وثیق داد. علامه طباطبائی نیز احتمال می‌دهد که روز نزول آیه عرفه و روز ابلاغ آن در غدیر می‌باشد (طباطبائی، ج ۵، ص ۱۹۶). باز احتمالی دیگر برای وجه جمع می‌توان داد و آن این که پیامبر خدا (ص) در حجه الوداع در محل اجتماع عمومی مردم از جمله: در مسجد خیف (ابن حجر، ص ۱۵۰)، در روز عرفه (ترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱ و یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۲)، و در غدیر (ابن ابی عاصم، ص ۶۲۹ و ابن مغازلی، ۱۴۰۳، ص ۱۶ و ۲۳)، حدیث ثقلین را اعلان فرموده است. این مطلب ضمن آن که نشان می‌دهد یکی از رسالت‌های پیامبر اکرم در حجه الوداع (افزون بر آن که برای آموزش مناسک حج به مردم بوده) اتمام حجت بر مردم درباره ثقلین بوده است. از آن استفاده می‌شود با اعلان رسمی حدیث ثقلین توسط پیامبر خدا در اجتماع مردم، یأس کفار، اکمال دین، اتمام نعمت، و خشنودی خدا از اسلام به وجود آمد و آیه اکمال به همین علت نازل شد و حضرت رسول نیز آن را در همان جا اعلان فرمود. حادثه غدیر نیز در واقع شرح و توضیح پیامبر معظم اسلام (ص) درباره حدیث ثقلین بوده است.

این احتمال‌ها برای جمع بین دو دسته روایت است؛ ولی اگر نتوان بین آن‌ها را جمع کرد احادیثی که از نزول آیه در عرفه حکایت می‌کنند (بویژه آن دسته احادیث که علت نزول را غیر از ولایت امام علی می‌دانند) به دلیل ضعف‌های متعدد درون متنی و برون متنی ساقط خواهند بود. برخی از دانشمندان شیعی نیز به تفصیل از این ضعف‌ها پرده برداشته اند (طباطبائی، ج ۵، ص ۱۶۹؛ مرکز المصطفی،

۱۴۱۹، ص ۲۶۰ و ۲۸۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۵۵، ۶۸).

بررسی علت نزول

در متن روایاتی که در مصادر اهل سنت از نزول این آیه در عرفه خبر می دهد، به جز روایت خلیلی و حسکانی (بیش گفته) که در آن علت نزول را ولایت امام علی می دانند، به علت نزول آیه تصریحی نشده است؛ یعنی در آن‌ها مشخص نشده است که چه حادثه ای در عرفه اتفاق افتاد که موجب نزول این آیه و اوصاف مذکوره در آن شد. به همین دلیل مشهور اهل سنت (که بر این باورند این آیه در عرفه نازل شده است)، ناگزیر در جست و جوی علت نزول آن، وجوه متعددی را احتمال داده اند (بیضاوی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۵ و آلوسی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۹۰، ۹۱)، این وجوه از سوی برخی از مفسران شیعی با برهان سبر و تقسیم مورد نقد قرار گرفته و تمام آن‌ها مخدوش شده است (طباطبائی، ۲۴، ج ۵، ص ۱۶۹)؛ اما در تمام روایات شیعی اعم از روایاتی که دلالت بر نزول آیه در عرفه و یا دلالت بر نزول آن در غدیر دارد، در تمام آن احادیث علت نزول آیه "اعلان ولایت امام علی" است (حویزی، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۵۸۷، ۵۹۰ و مشهدی، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۳۲، ۳۶). در متن روایاتی که نزول آیه را در غیر عرفه می داند و از شاهدان نزول این آیه یعنی صحابه پیامبر اکرم (ص) رسیده است، درباره علت نزول این آیه تنها دو امر ذکر گردیده است: یک قول از ابن عباس است که می گوید: "فلما نزلت براءة فنفی المشركون عن بيت الحرام و حج المسلمون لا يشاركهم في البيت الحرام من المشركين فكان ذلك من تمام النعمة و هو قوله تعالى: اليوم أكملت لكم دينكم و أتممت عليكم نعمتي؛ چون سورة براءة نازل شد و مشرکان از بيت الحرام رانده شدند، مسلمانان بدون شرکت مشرکان حج گزارند؛ این از اتمام نعمت است که خداوند در این آیه فرموده است: امروز برای شما دینتان را کامل کردم و نعمتم را برای شما به اتمام رساندم" (طبری، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۸۱ و سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۷۱۶).

قول دوم با صراحت می گوید که علت نزول این آیه به خاطر نصب ولایت امام علی است. این قول از امام علی، ابوسعید خدری، زید بن ارقم، ابن عباس، و ابوهریره نقل شده است (ابن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۵۴۸؛ ابن مغزلی، ۱۴۰۳، ص ۱۹؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۰۷، ۲۰۸ و سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۷۱۶ و واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۳۵).

علامه امینی و دیگران این احادیث را تا حدودی استقصا کرده‌اند (امینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴۷ ۴۵۸ و بحرانی، ج ۱، ص ۴۲۴ ۴۴۷).

بنابراین در متن روایات اهل سنت نیز که به علت نزول آیه تصریح شده است، اعم از روایاتی که نزول آیه را در عرفه یا غیر عرفه می‌دانند، به جز در یک حدیث از ابن عباس، علت نزول آیه اعلان ولایت امام علی ذکر شده است. حدیثی که تنها از ابن عباس نقل شده افزون بر آن که احتمال دارد در مقام بیان تفسیر آیه یا یکی از مصادیق اتمام نعمت باشد (نه آن که علت نزول آیه را بیان کند) مخالف با قول دیگر ابن عباس (بیش گفته) و نیز مخالف با ظاهر آیه است که نشان می‌دهد در آن روز حادثه اتفاق افتاده که موجب اکمال‌دین از یک سو و یأس کفار از دین (و نه یأس از مسلمین) از سوی دیگر شده است. بنابراین باید این یأس با توجه به محاسبات کافران معنا شود. لابد آنان تا پیش از نزول این آیه امیدی برای رخنه در دین و نابودی آن داشته‌اند که قرآن هم اکنون از یأس آنان خبر می‌دهد. روشن است عدم شرکت مشرکان در اعمال حج، موجب اکمال دین و یأس کفار از دین نخواهد بود. پس از اثبات این امر که آیه اکمال درباره ولایت امام علی نازل شده است، اولاً: این نزول در معنای "مولا" در حدیث "من کنت مولا فلهذا علی مولا" تأثیری عمیق خواهد داشت؛ چون آن چه موجب اکمال دین، اتمام نعمت، یأس کفار از دین می‌شود، تنها اعلان دوستی و وفاداری به امام علی نیست، بلکه رخدادی بزرگ در اعلان امامت و پیشوایی امام علی (ع) خواهد بود. ثانياً: اسلامی که مورد رضایت خداست مرتبط با ولایت امام علی خواهد شد؛ چون در این آیه می‌فرماید: "... و رضیت لکم الإسلام دیناً..." بنابراین آنان که از این ولایت سرباز می‌زنند در متن دینی که مرضی خداست إخلال خواهند کرد. به نظر می‌رسد این بخش از خطبه غدیریه پیامبر اکرم (ص) به همین مطلب اشاره دارد که می‌فرماید:

"خداوند! همانا تو بر من چنین نازل کردی: امامت برای علی ولیّی توست. در آن هنگام که وی را برتری بخشیدی و با امامت او دین بندگانت را کامل کردی و نعمت را بر آنان به اتمام رساندی و برای آنان اسلام را به عنوان دین پسندیدی و فرمودی: هر کس غیر از اسلام دینی جست و جو کند از او پذیرفتنی نیست و در آخرت از زیانکاران می‌باشد. خدایا تو شاهد باش من پیام تو را رساندم" (فقال، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۲۵ و ابن طاووس، ۱۴۱۳، ص ۵۸۴).

نتیجه

از نظر شیعه آیه اکمال با آیه تبلیغ (مائده، ۶۷) و آیات ولایت (مائده، ۵۵ و ۵۶) ارتباط وثیق دارد. این مطلب افزون بر آن که از خود قرآن استفاده می شود، احادیث صحیح السنند در مصادر روایی شیعه نیز بر آن دلالت دارند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸۹ و ۲۹۰). برخی از بزرگان شیعه از آیه اکمال افزون بر دلالت بر امر ولایت، آن را یکی از ادله عصمت امام علی (ع) به حساب آورده اند (حلی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵).

مأخذ

۱. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تصحیح محمد حسین العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۲. ابن ابی عاصم، ابوبکر، کتاب السنه، بقلم محمد ناصرالدین الالبانی، بیروت، المكتب الاسلامی.
۳. ابن حجر، احمد، الصواعق المحرقة فی الردّ علی اهل البدع و الزندقه، تخريج عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره.
۴. ابن طاووس، علی، الیقین باختصاص مولانا علی بامرة المؤمنین، تحقیق الانصاری، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۳ ق.
۵. التحصین لأسرار ما زاد من أخبار کتاب الیقین.
۶. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
۷. البدايه و النهايه، تحقیق علی نجیب عطوی و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
۸. ابن مغزلی، علی، مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، تحقیق محمد باقر بهبودی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۹. ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تعلیق محمد عبدالحمید، داراحیاء السنه النبویه، بیروت.
۱۰. امینی، عبدالحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۱. بان قتیبه، عبدالله، المسائل و الاجوبه فی الحدیث و التفسیر، تحقیق مروان العطیه و محسن خرابه، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. بحرانی، سید هاشم، ابرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح زرندی، مؤسسه مطبوعاتی، قم.
۱۳. بیضاوی، عبدالله، انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. ترمذی، محمد، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف، الألفین الفارق بین الصدق و المین، قم، تحقیق و نشر المؤسسه

- الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۱۷. حموی، ابراهیم، فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السیطين و الائمة من ذریتهم (ع)، تحقیق محمد باقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة و الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. حویزی، عبدعلی، نورالثقلین، تصحیح سید هاشم انصاری، ۱۳۴۹ ش.
۱۹. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم، منشورات آیه ... العظیم الخوئی، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. رازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۱. سبط ابن الجوزی، یوسف، تذکرة الخواص، مؤسسه اهل البيت، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۲۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. صدوق، ابوجعفر محمد، امالی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعه المدرسین بقم.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تحقیق محلاتی و طباطبائی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۲۶. طبری، محمد ابن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. عیاشی، محمد، کتاب التفسیر، قم، تحقیق مؤسسه البعثة، ۱۴۲۱ ق.
۲۸. فتال نیشابوری، محمد، روضه الواعظین، تحقیق غلامحسین مجیدی و مجتبی فرجی، قم، ۱۴۲۳ ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر [المنسوب الی] القمی، تصحیح سید طیب جزائری، قم، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار الجامعه الدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، شرکت طبع بحار الانوار.
۳۲. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. مرکز المصطفی، آیات الغدیر، مرکز المصطفی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. مسلم، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت.

۳۵. مشهدی، محمد رضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، تهران، ۱۴۱۱ ق.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، تنظیم ابوالقاسم علیان، قم، نسل جوان، ۱۳۸۱ ش.
۳۷. واحدی، علی، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر.